

## نقش امریکا در تحریک رژیم بعث عراق در اشغال جزایر سه‌گانه در دوران جنگ تحمیلی

مهدی قربانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۳

**چکیده:** پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا را در ادامه برنامه‌ها و اجرای سناریوهای از پیش تعریف شده در ایران مستأصل کرد و منافع آن کشور را که در راستای اجرای سیاست دوستونی نیکسون در منطقه غرب آسیا بود، از بین برد. این پژوهش بر آن است تا در قالب نظریه نواقعه‌گرایی به نقش امریکا در تحریک حکام بعثی عراق نسبت به اشغال جزایر سه‌گانه ایرانی و تسلط بر تنگه هرمز بپردازد. روش این پژوهش، توصیفی، و در گردآوری داده‌ها از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که امریکا در تحریک رژیم بعث عراق در اشغال جزایر سه‌گانه توسط صدام چه نقشی داشته است. پاسخ کوتاه در حکم فرضیه این است که کمکهای نظامی و لجستیکی مستقیم و غیرمستقیم امریکا به رژیم بعث عراق، صدام را بیش از پیش در تجاوز به تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و اشغال جزایر سه‌گانه مصمم کرد.

**واژگان اصلی:** جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، رژیم بعث عراق، رابطه ایران و امریکا، جزایر سه‌گانه ایران.

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اواخر قرن بیستم میلادی باعث تحول اساسی در معادلات بین‌المللی شد. درحالی‌که شاه ایران در گرفتن کوچکترین تصمیم در اجرای سیاستهای داخلی با کاخ سفید امریکا هماهنگ می‌شد؛ پس از وقایع انقلاب اسلامی ایران، نخستین کشوری که در اجرای سیاستهای امنیتی و اقتصادی احساس شکست کرد، امریکا بود. دو ماه پس از گروگانگیری دیپلماتهای امریکایی در تهران، جیمی کارتر دستور تحریک پنهانی صدام حسین برای اشغال جزایر ابوموسی، تنب‌بزرگ و تنب‌کوچک ایران در خلیج فارس را صادر کرد. این دستور، نخستین اقدام امریکا در مخالفت با نظام انقلابی ایران به‌شمار می‌آید (درویشی، ۱۳۸۵: ۵۵). اگر چه اجرای این طرح بنا بر دلایلی که در متن به آن اشاره می‌شود متوقف شد اما اهمیت این مسئله در این است که اشغال جزایر سه‌گانه جزء اولین سناریوهای رژیم بعث عراق برای حمله به خاک جمهوری اسلامی ایران بود که در طرح این موضوع رد پای امریکا دیده می‌شود.

سؤال اصلی پژوهش این است که امریکا در تحریک رژیم بعث عراق در اشغال جزایر سه‌گانه توسط صدام چه نقشی داشت؟ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از سوی امریکا تحریک رژیم بعث عراق در حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران و سناریوی اشغال سه جزیره ایرانی و تسلط بر تنگه هرمز توسط این کشور مطرح شد. در این مقاله علاوه بر ذکر اهمیت راهبردی جزایر سه‌گانه، به نقش مستقیم امریکا در تحریک رژیم بعث عراق در اشغال این جزایر و مواضع و اقدامات امریکا در برابر تجاوز عراق و تحریک آن کشور در تهاجم نظامی به جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

## مبانی نظری

## الف - نظریه نواقعه‌گرایی در روابط بین‌الملل

به‌دلیل ارتباط موضوع پژوهش در عرصه نقش کشورهای فرمانطقه‌ای و منطقه‌ای در دخالت مستقیم و غیرمستقیم، نظریه نواقعه‌گرایی در روابط بین‌الملل به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب شده است. شالوده فکری نظریه نواقعه‌گرایی و نزدیکی آن با موضوع پژوهش، نگارنده را نسبت به کاربرد این نظریه مصمم کرد. از ویژگیهای اصلی نظریه

نواقعه‌گرایی می‌توان به احتساب دولتها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل، تأکید بر نظریه سیستمی دولتها، اصل موازنه قوا، توجه به نهادهای بین‌المللی و نقش سازنده آن در اختلافات بین‌المللی، کنش عقلانی، اتکابه‌خود و بی‌اعتمادی به دیگران و عملکرد متناسب با سود و زیان کشورها در قالب دخالت نظامی و یا موضعگیری سیاسی اشاره کرد (Waltz, 1979: 68).

ایران و امارات متحده به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و راهبردی که در منطقه دارند در مورد جزایر سه‌گانه مورد توجه قدرتهای بزرگ قرار گرفته‌اند. کشورهای ثالث از ابتدای ادعای مالکیت جمهوری اسلامی ایران بر جزایر سه‌گانه، واکنشهای متفاوتی نشان داده‌اند. علت انتخاب نظریه نواقعه‌گرایی برای پژوهش و ویژگیهای این نظریه و شرایط حاکم بر ایران و رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی است. انگیزه کشورهای ثالث برای پیگیری و اجرای اهداف خود در مناطق مختلف با روشهایی همانند دخالت نظامی، اتخاذ مواضع حق به جانب و بهره‌برداری از منابع اقتصادی آن منطقه به نفع خود در نظام بین‌المللی از مواردی است که از ویژگیهای نظریه نواقعه‌گرایی به شمار می‌آید.

در این نظریه، پذیرش مفاهیم کلیدی واقعه‌گرایی کلاسیک در رقابت میان کشورها به‌ویژه قدرتهای بزرگ همانند پیگیری منافع ملی، قدرت محوری، توجه به اصل موازنه قوا و قدرت رقیبان و برخورد منافع به مسائل دیگری همانند ابعاد اقتصادی روابط کشورها، نوع کنش آنها از نوع دخالت نظامی و موضعگیری درباره مسائل گوناگون و همچنین، الزامات ساختار نظام بین‌المللی برای کشورها اهمیت دارد (Bowker, 1993: 65). کنت والتز و رابرت گیلپین<sup>۱</sup> از جمله نظریه‌پردازان نواقعه‌گرایی هستند که به جنبه‌های جدیدتر نفوذ کشورهای قدرتمند در مناطق مختلف در سیاست بین‌الملل و روابط بین‌الملل توجه دارند.

### ب - فرضیات اصلی نواقعه‌گرایی

مفروضات اصلی نظریه نواقعه‌گرایی شامل سه اصل دولت‌گرایی، بقا<sup>۲</sup> و خودیاری<sup>۳</sup> است. براساس نظر کنت والتز مهمترین ویژگیهای نواقعه‌گرایی به شرح ذیل است:

نخست در روند سازماندهی توازن منطقه‌ای، دولتها اصلی‌ترین بازیگر به‌شمار می‌آیند.

1. Kenneth Waltz & Robert Gilpin
2. Survival
3. Self-help

این را می‌توان انعکاس نقش دولتها در سازماندهی قدرت و توازن میان بازیگرانی دانست که درگیر موضوع امنیت ملی خود هستند.

دوم، واقع‌گرایان و نواقع‌گرایان معتقدند، آنارشی، ویژگی بسیار مهم نظام بین‌المللی به‌شمار می‌آید. این امر به مفهوم این است که ثبات و تعادل دائمی وجود ندارد. از همه مهم‌تر، قواعد نافذ برای کنترل رفتار کشورها شکل نگرفته است. هیچ بازیگری نمی‌تواند به‌عنوان نیروی مرجع در روند تعادل و امنیت بین‌الملل ایفای نقش کند؛ بنابراین، تمامی بازیگران تلاش خواهند کرد تا زمینه‌های لازم را برای تولید قدرت و دفاع از خود فراهم کنند. سوم، سیاست بین‌المللی و توازن منطقه‌ای در شرایط آنارشی شکل می‌گیرد؛ بنابراین، تمامی دولتها به دنبال افزایش قدرت و امنیت خود هستند. این امر نشان می‌دهد، توازن منطقه‌ای بدون توجه به انگیزه و رویکرد کشورها برای تولید قدرت به دست نمی‌آید. به همین دلیل، سیاست خارجی واحدهای سیاسی در روند توازن منطقه‌ای در راستای افزایش قدرت و امنیت طراحی می‌شود.

چهارم، سازماندهی توازن منطقه‌ای نیازمند این است که کشورها از ابزارهای گوناگونی برای تولید قدرت استفاده کنند. شیوه‌های دفاعی و امنیتی را می‌توان در زمره ابزارهایی دانست که دولتها برای رسیدن به اهداف خود از آن بهره می‌گیرند (Waltz, 1979: 97).

توجه به ویژگی سوم و چهارم نواقع‌گرایی از دید والتز نشان می‌دهد که بدون شک انگیزه و تحرک تمامی کشورها در عرصه نظام افزایش قدرت و امنیت در تمامی نقاط جهان است. موضوعاتی همانند نمایش قدرت، افزایش قدرت و تولید اعتبار برای تأمین قدرت، استنادی به شمار می‌آید که توازن منطقه‌ای را حفظ می‌کند.

به‌کارگیری توان حمایت کشورها در تحریک کشورهای ثالث به‌منظور حمله نظامی، یکی از راه‌های عملکرد آنان در عرصه نظام بین‌الملل به‌شمار می‌آید که در راستای ویژگیهای نواقع‌گرایی از دید والتز قرار دارد (مصلی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۸).

### پیشینه پژوهش

در بررسیهای اولیه پیرامون موضوع مقاله مشخص شد آثار و نوشته‌های پژوهشگران ایرانی در سطح محافل دانشگاهی و انتشار مقاله محدود بوده و این آثار صرفاً به بررسی

موضوع جزایر سه گانه ایرانی از زاویه اینکه از بهانه‌های اصلی رژیم بعث صدام در حمله به خاک جمهوری اسلامی ایران بوده می‌پردازند و کمتر به نقش امریکا در تحریک آن رژیم برای تصرف جزایر سه گانه ایرانی توجه کرده‌اند؛ اما، تنها چند مقاله از میان مطالب و مقالات مورد بررسی به طور خاص از نظر محتوا در قرابت با موضوع مورد پژوهش است. دکتر محمد سیفی در سایت تاریخ ایران در سر مقاله‌ای به تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۱۵ تحت عنوان «کارتر و جزایر سه گانه» به دخالت کارتر در بحث اشغال جزایر سه گانه و تحریک صدام در حمله به ایران صرفاً به چند سند و گزارش در این خصوص اشاره دارد. در مقاله‌ای دیگر سعید قاسم زاده (۱۳۹۰) در فصلنامه علمی - پژوهشی عملیات روانی تحت عنوان «عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس» به اقدامات امریکا از بدو انقلاب اسلامی ایران در تحریک رژیم بعث عراق در حمله نظامی به ایران و اشغال جزایر سه گانه اشاره کرده است. علاوه بر موارد مذکور اظهارات مقامات بلندپایه امریکایی و اسناد محرمانه تازه منتشر شده اشاره‌ای به این بحث داشته‌اند. به عنوان مثال، تلویزیون بی بی سی فارسی در ۱۶ مهرماه ۱۳۹۵ گزارشی منتشر کرد که در آن به اسناد محرمانه تازه منتشر شده در امریکا و نقش مستقیم جیمی کارتر در تحریک صدام در اشغال جزایر سه گانه پرداخته است.

## روش پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش و استفاده از مفروضات نواقع‌گرایی در آن و همچنین بهره‌گیری از متون اسناد و کتابهای موجود در زمینه موضوع پژوهش، روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع توصیفی و بر اساس هدف، کاربردی است. در این روش پژوهشگر وضع موجود و یا گذشته را بررسی می‌کند و با روشن ساختن ارتباط بین متعیرها از نتایج آن در تصمیم‌گیریها و سیاست‌گذاریها و همچنین برنامه‌ریزیها استفاده می‌کند. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است.

## مواضع و عملکرد امریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی

دخالت مستقیم و غیرمستقیم، نفوذ و اتخاذ مواضع متناسب با منافع ملی کشورها در عرصه نظام بین‌الملل از مهمترین ویژگیهای رویکرد نواقع‌گرایی است؛ از این رو، قدرت‌طلبی دولتها بخش پیوسته سیاست خارجی آنها به‌شمار می‌آید که برای دستیابی به هدفهایی همانند

امنیت ملی، بازار مصرف، رفاه اتباع و هزاران امور دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. تمامی دولت‌ها به میزان نامحدودی خواهان این هدف‌ها هستند؛ اما، در مناسبات بین‌الملل این درخواست‌ها با یکدیگر برخورد می‌کنند.

آنچه در محدودسازی اهداف کشورهای دیگر مؤثر است، قدرت برتر دیگر بازیگران بین‌المللی به‌شمار می‌آید که بسیاری از اوقات در قالب مداخله‌گرایی جلوه می‌کند. سلطه‌جویی حاکم بر سیاست خارجی امریکا در برخورد با موضوعات سیاست بین‌الملل و بازیگران مؤثر در آن، علت اصلی مداخله‌گرایی این کشور است (سلیمی‌بنی، ۱۳۸۳: ۳۷).

امریکا زمانی توانست به سطح بالایی از اعمال نفوذ و برتری بین‌المللی در غرب آسیا دست یابد که در مقایسه با دیگر کشورها به‌عنوان کشور موازنه‌گر، مورد توجه دیگر بازیگران بین‌الملل قرار گرفت. این شرایط پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حمله رژیم بعث عراق علیه ایران در شهریور ۱۳۵۹ شمسی دگرگون شد.

امریکا با توجه به روند جاری جنگ، اشغال بخش‌هایی از خاک ایران از سوی ارتش بعثی عراق و برتری این رژیم، تصمیم گرفت که در ابتدای جنگ، به‌ظاهر اعلام بیطرفی کند. اگرچه این موضوع به سود رژیم بعث عراق بود و اعمال فشار بر ایران، می‌توانست باعث تأمین منافع امریکا در ابعاد گوناگون شود. روابط پنهان امریکا با رژیم بعث عراق و دیدارهای مخفیانه و آشکار مسئولان دو کشور همچنان ادامه داشت؛ اما، به‌دلیل روند حاکم بر جنگ، بیطرفی امریکا تا هنگام تغییر وضعیت جبهه‌های جنگ و تغییر موازنه به نفع ایران به‌قوت خود باقی بود (نعمتی‌ورجنی، ۱۳۸۸: ۹۳).

امریکا با هدف تحت فشار قراردادن ایران برای آزادی گروگان‌های خود و به‌منظور مهار خطری که از جانب ایران متوجه منافع خود در منطقه می‌دانست با سیاست صدام حسین همسو بود. در کتاب گروگانگیری ایرانی آمده است: «چیزی که موجب تسلاهی خاطر ما می‌شد، این بود که ایران با وجود جنگ احساس خواهد کرد که زیانهای ناشی از تحریم، بیشتر از همیشه خواهد شد و در اذهان اثر خواهد گذارد. همچنین، زیان آن از نگهداری گروگانها بیشتر خواهد بود» (سیک‌من، ۱۳۸۹: ۹۸).

امریکایی‌ها با توصیه به شوروی درباره عدم دخالت در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، سه مسئله اساسی را در حمله رژیم صدام پیگیری می‌کنند:

- حمله رژیم بعث عراق باعث آزادی جاسوسان امریکایی شود.

- ایران برای جلوگیری از ارتش بعثی عراق از ادامه تجاوز، با خواسته‌های امریکا، درخواست کمک کند.

- ایران با بی‌اعتنایی به اصول انقلابی خود در مجامع رسمی بین‌المللی حضور یابد و به قواعد آنان تن دهد. امریکا برای تحقق این امر، بیطرفی فعال را دنبال می‌کند. از سوی دیگر، ایران را از هرگونه اقدامی نسبت به بستن تنگه هرمز باز دارد. در حالی که امریکا نظاره‌گر پیشروی رژیم بعث عراق بود و وقتی در هفته دوم جنگ، این رژیم را در دستیابی به اهداف خود ناتوان دید به‌همین دلیل، خواستار آتش‌بس از طریق کشورهای منطقه، کنفرانس اسلامی و سازمان ملل شد.

گزیده‌ای از اظهارات مسئولان امریکایی با محوریت گروگانهای این کشور در آغاز جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران

جیمی کارتر<sup>۱</sup>، رئیس‌جمهور امریکا: «جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران ممکن است به آزادی گروگانهای امریکایی منجر شود. هم‌چنین، این جنگ می‌تواند ایران را در مورد لزوم صلح و قبول قوانین بین‌المللی متقاعد سازد. خبرهای دریافتی از ایران نشان می‌دهد، اشتیاق شدیدی در ایرانیان برای حل اختلافاتشان با ما وجود دارد».

«امریکا آزادی رفت‌وآمد کشتی‌ها از تنگه هرمز را اصل اساسی می‌داند. امریکا در این جنگ مداخله نخواهد کرد و به شوروی توصیه می‌کند از دخالت خودداری کند».

«اگر به جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی پایان داده نشود به بحران بزرگی برای جهان تبدیل خواهد شد».

ادموند ماسکی<sup>۲</sup>، وزیر امور خارجه امریکا: «اگر ایران بخواهد تعهد و نقش کامل خود را در جامعه جهانی ایفا کند، باید گروگانهای امریکایی را آزاد کند. رهایی گروگانهای امریکایی به تحریمهای بین‌المللی علیه ایران و انزوای این کشور پایان می‌دهد. امریکا به محض آزادی گروگانها براساس احترام متقابل و برابری به تمامی مسائل حل نشده رسیدگی خواهد کرد».

«امریکا در حال مشورت با متحدان خود درباره ایجاد نیروی دریایی در صورت بستن

1. Jimmy Carter
2. Edmund Muskie

خلیج فارس است. ما و مسئولان شوروی می‌دانیم، این اوضاع به سود هیچ‌کس نیست و برآیند راهی برای پایان آن بیابیم».

«معاون وزیر امور خارجه امریکا: امریکا و کشورهای هم‌پیمان عربی تلاش می‌کنند در صورت بستن تنگه هرمز تدابیر لازم را اتخاذ نمایند».

«اتحاد جماهیر شوروی می‌داند که امریکا در صورت دخالت آن کشور ساکت نخواهد ماند. وزیر خارجه امریکا با معاون وزارت خارجه عمان، وزیران خارجه بحرین، پاکستان و مصر دیدار و تبادل نظر کرده و معتقد است که باید منتظر نتایج میانجیگری کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد ماند».

سخنگوی پنتاگون: «امریکا نیروهای نظامی خود را در خلیج فارس گسترش می‌دهد؛ به‌همین دلیل، تاکنون ناوهای حامل ۲۰۶۰۰ تفنگدار دریایی امریکا در منطقه مستقر شده‌اند».

نماینده امریکا در سازمان ملل: «اگر رژیم بعث عراق از امریکا کمک بخواهد، امریکا هرگونه امکانات نظامی را در اختیارشان قرار خواهد داد» (درویشی، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

سخنان مسئولان ارشد امریکا نشان می‌دهد، تمامی تحرکات، عملکرد و موضعگیری آنان در راستای چارچوب ویژگی‌های نظریه نواقعه‌گرایی است و تمامی درخواستهای آنان از آزادسازی گروگانهای امریکایی در ایران تا تحلیل‌هایشان از نوع دخالت اتحاد جماهیر شوروی براساس سود بوده است.

### تحریک رژیم بعث عراق توسط امریکا در حمله به خاک ایران (جزایر سه‌گانه)

در اینکه امریکا در راه‌اندازی جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نقش داشته و یکی از مشوقان صدام برای این حمله به ایران بوده است، شکی نیست؛ اما این ادعا باید براساس شواهد و سخنان مقامات امریکایی بررسی شود.

با وجود قطع روابط سیاسی امریکا و رژیم بعث عراق از سال ۱۹۶۸ میلادی به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، مشاور امنیت ملی سابق امریکا برای اطلاع از وضعیت این رژیم و ترغیب این کشور برای آغاز جنگ، سفرهای مکرری به عراق می‌کند. به‌طوری که روزنامه وال‌استریت ژورنال<sup>۱</sup> در ۸ فوریه ۱۹۸۰ میلادی، یکی از سفرهای محرمانه این مسئول را آشکارا، و به ملاقات وی با صدام اشاره می‌کند. این مقام مسئول، پس از سفر محرمانه به بغداد



در یک مصاحبه تلویزیونی اذعان می‌کند: «تضاد قابل ملاحظه‌ای میان آمریکا و رژیم بعث عراق وجود ندارد. ما معتقدیم این رژیم تصمیم به استقلال دارد و در آرزوی امنیت خلیج فارس است» (روزنامه وال استریت، ۸ فوریه ۱۹۸۰ میلادی).

امریکا با وجود اختلافات دیرینه‌اش با رژیم بعث عراق وانمود می‌کند که در مقابل آرزوهای همیشگی این رژیم یعنی تسلط بر منطقه خلیج فارس و اشغال جزایر سه‌گانه واکنشی نشان نخواهد داد. حتی برخی از مسئولان امریکایی موافق آرزوهای صدام هستند و برژینسکی<sup>۱</sup> چنین وانمود می‌کند، اقدام صدام برای تسلط بر خلیج فارس باعث سستی روابطش با آمریکا نخواهد شد. منظور برژینسکی حمله به ایران است؛ زیرا تسلط بر دیگر کشورهای عرب مخالف منافع آمریکا است.

شاهد دیگر، همزمان، رفت‌وآمد و تماسهای مکرر میان مجرمان فراری ارتش ایران با مسئولان دولت آمریکا و رژیم عراق بود که خود نشانه نوعی آمادگی برای تحولات پس از آغاز جنگ بود.

گواه دیگر، روزنامه امریکایی نیویورک تایمز<sup>۲</sup>، پنج ماه پیش از آغاز تجاوز رژیم بعث عراق در آوریل ۱۹۸۰ میلادی (اردیبهشت ۱۳۵۹ شمسی) از طرحهای آمریکا در این زمینه سخن می‌گوید. این روزنامه می‌نویسد: «دولت آمریکا پس از شکست عملیات طبس، امکان اجرای سه طرح نظامی بسیار مهم را بررسی می‌کند. این طرحها پیاده‌کردن نیروهای نظامی در شهرهای محل نگهداری گروگانهای امریکایی، مین‌گذاری در میدانهای صدور نفت و بمباران پالایشگاههای ایران است». نیویورک تایمز می‌افزاید: واشینگتن امیدوار است که تحریم اقتصادی و سیاسی ایران بتواند در تیرگی روابط رژیم صدام و ایران تأثیر بیشتری داشته باشد. عده‌ای معتقدند، چشم‌انداز جنگ با رژیم نیرومند بعث عراق، ایران را به بازنگری در سیاستهای خود وادار می‌کند (روزنامه نیویورک تایمز، ۱۵ آوریل ۱۹۸۰ میلادی). اظهارات این روزنامه امریکایی می‌تواند مبین اقدامات پنهان سیاستمداران امریکایی برای تشویق صدام در آغاز جنگ علیه ایران باشد.

به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن در جریان تسخیر لانه جاسوسی در تهران و

1. Brzezinski  
2. Newyork Times

شکست این کشور در طبرستان، امریکا که ضربه‌های سختی از ایران خورده بود به دنبال جبران شکست‌های گذشته بود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث شد تا امریکا، یکی از بهترین متحدان سیاسی خود را در غرب آسیا از دست بدهد. از سویی، امکان انتقال این تجربه به کشورهای مجاور وجود داشت و امریکا هراس داشت، متحدان دیگرش در این منطقه همانند خاندان پهلوی سرنگون شوند؛ زیرا، منطقه خلیج فارس حدود ۶۰ درصد ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است و اگر بحران و انقلاب در کشورهای این منطقه به وقوع می‌پیوست، بحرانی برای سرمایه‌داری رخ می‌داد؛ به همین دلیل، امریکا به‌عنوان سردمدار سرمایه‌داری غرب، سعی کرد با استفاده از قدرت نظامی رژیم بعث عراق از انتشار اندیشه‌های انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر منطقه جلوگیری کرده، نظام جمهوری اسلامی را ساقط و یا تضعیف کند (درویشی، ۱۳۸۵: ۲۴۵ - ۲۴۱).

#### مواضع امریکا در حمایت از حکام عراق

امریکا پس از آغاز جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، موضعی بیطرفانه اعلام کرد؛ اما، در دوران جنگ، آشکارا و در قالب سازمان ملل از این رژیم حمایت می‌کرد. از سویی، نیروی دریایی امریکا با حضور در خلیج فارس و حمله به کشتی‌ها، هواپیما و سکوهاى ایرانی وارد جنگ با ایران شد. این اقدام به معنای حمایت آشکار از بغداد و جبران ضعفهای آن رژیم بود.

محور اصلی سیاست امریکاییان در دوران جنگ تحمیلی، جلوگیری از پیروزی ایران بود؛ زیرا، پیروزی ایران، باعث نابودی موازنه قدرت در منطقه می‌شد که نتیجه آن، ایجاد مشکلاتی برای غرب بود. پس از فتح خرمشهر، که ایران در موقعیت بهتری نسبت به رژیم عراق قرار داشت، این سیاست بیشتر اعمال شد و امریکا به‌طور کامل از بغداد حمایت کرد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۹۸).

امریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد به همراه اعضای دیگر شورا قطعنامه‌هایی را به تصویب رساندند که اغلب به نفع رژیم بعث عراق بود. آنان هیچ‌گاه این رژیم را متجاوز اعلام نکردند و از طرفین درخواست می‌کردند که به منازعه پایان، و راهکارهای مسالمت‌آمیز را محور قرار دهند. امریکا پس از نخستین پیروزیهای ایران در بازپس‌گیری سرزمین‌های خود، اعلام کرد که به دلیل صدمات عمده‌ای که به رژیم بعث عراق وارد شده است، قصد فروش شش تا دوازده فروند هواپیمای پیشرفته لاکهید (۱۰۰ - L) به این رژیم دارد

(عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

دولت امریکا اعلام کرد در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران بیطرف است؛ اما نسبت به نتایج آن بی‌اعتنا نخواهد بود و برای محدودیت ایران، هماهنگی لازم را به‌عمل خواهد آورد. مسئولان امریکایی این اقدامات را در جهت مهار ایران انجام دادند که در چارچوب نظریه نوواقعگرایی قابل تحلیل است. با توجه به اینکه رژیم بعث عراق نتوانست در مقابل حملات ایران مقاومت کند، بیم آن می‌رفت که این رژیم از پای درآید و تعادل قوا به نفع ایران تغییر یابد؛ به‌همین دلیل، باید از رژیم بعث عراق حمایت می‌شد؛ بنابراین، امریکا تصمیم به حمایت از رژیم صدام گرفت و کشورهای اروپایی و منطقه‌ای را به حمایت ترغیب کرد؛ به‌عنوان مثال، این کشور، مسئولان فرانسه را تشویق کرد که هوایم‌های سویراتاندارد در اختیار نیروی هوایی ارتش عراق قرار دهند. هم‌چنین، این کشور کنترل مجاری غیرقانونی فروش تسلیحات و لوازم یدکی از امریکا و دیگر کشورهای غربی را به ایران سخت‌تر کرد.

با تداوم عملیات تهاجمی ایران در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی، امریکا احساس کرد که ارتش رژیم بعث عراق فرسوده و روبه‌زوال است؛ به‌همین دلیل در مقابل کاربرد سلاحهای شیمیایی واکنشی نشان نداد و برای جنایات صدام چراغ سبز نشان می‌داد. از سوی دیگر برای پوشاندن نقاط ضعف صدام، آماده مداخله مستقیم در جنگ شد. امریکا با تبلیغات وسیع بیطرفی در جنگ، اطلاعات جاسوسی در اختیار رژیم بعث عراق قرار می‌داد تا آن کشور بتواند در مقابل حملات زمینی و هوایی ایران مقاومت کند.

امریکا با پرواز هواپیماهای آواکس خود در منطقه و ماهواره‌های جاسوسی، تحرکات زمینی، هوایی و دریایی ایران را بررسی می‌کرد و با مشاهده هر تغییری، اطلاعات مربوط را در اختیار نیروی نظامی عراق قرار می‌داد. در کنار این اقدامات، کمکهای اقتصادی گسترده‌ای به رژیم بعث عراق می‌شد تا از ضعف درونی رژیم صدام جلوگیری شود. دولت امریکا، اعتبارات کشاورزی بسیاری به بغداد داد. افزون بر این، امریکا دولتهای عمده غرب همانند فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلیس را تشویق کرد تا با امضای قراردادی با رژیم بعث به آن کشور اجازه دهند تا بازپرداخت وامهای خود را به تعویق اندازد. این کار به این رژیم فرصت داد تا پول بیشتری را برای مقاصد نظامی صرف کند (درویشی، ۱۳۸۵: ۱۵۰ - ۱۵۲).

نتیجه اینکه امریکا با وجود اعلام سیاست بیطرفی در جنگ در راستای سیاست نابودی،

تضعیف و مهار انقلاب اسلامی ایران، رژیم بعث عراق را به جنگ علیه ایران و اشغال مناطقی در خلیج فارس تشویق کرد و سپس به حمایت همه‌جانبه از آن رژیم پرداخت.

**حضور نیروهای امریکایی در منطقه خلیج فارس و تحریک صدام در اشغال جزایر سه‌گانه**  
 راهبرد امریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تضعیف قدرت و توانایی ایران بود. مطابق این راهبرد، دیکتاتور فرصت‌طلب و بازنده نبرد سال ۱۳۵۲ شمسی به تجاوز نظامی تشویق شد. از نتایج دیگر این راهبرد، تضعیف رژیم بعث عراق به‌عنوان یکی از تهدیدهای اسرائیل و نابودی وحدت اعراب بود. براساس این برنامه، درگیری ارتش عراق علیه ایران تا زمانی ادامه خواهد یافت که هر دو کشور تضعیف شوند و درگیری به پیروزی هیچ کدام منجر نشود. همچنین، جنگ باید به دو سرزمین محدود باشد و گریبانگیر دیگر کشورها نشود. در واقع، مسئولان امریکا جنگی را هدایت کردند که هیچ کدام اجازه پیروزی در آن را نداشتند (گرفیتس، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

یکی از معروفترین موضوعات حمایت امریکا از رژیم بعث عراق، ملاقات برژینسکی با صدام در مرز دو کشور اردن و عراق در تیرماه ۱۳۵۹ شمسی است. این موضوع را طارق عزیز<sup>۱</sup> در سفری به پاریس مطرح می‌کند که در آن مسئولان حکام عراقی از حمایت امریکا اطمینان حاصل کرده‌اند. براساس بررسیها، مشاور امنیت ملی وقت امریکا در آن تاریخ در اردن حضور داشته و سرگرم دیدار رسمی و گفتگو با مقامات اردنی بوده است. نزدیکی زمان سفر برژینسکی به اردن با حمله سراسری ارتش عراق علیه ایران، باعث می‌شود که نتوان بسادگی از ادعای ملاقات برژینسکی با صدام گذشت. امریکا همیشه در خلیج فارس حاضر بود؛ اما، چگونگی حضور این کشور در خلیج فارس به برتری رزمندگان اسلام بستگی مستقیم داشت. در هر عملیاتی که نیروهای ایرانی به موفقیت دست می‌یافتند، امریکا به نشانه حمایت از صدام بر حضور خود در منطقه می‌افزود<sup>۲</sup> (هندرسون، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

مشاور امنیت ملی امریکا با هدف تسلط بر امور غرب آسیا و شناخت نسبی منطقه خلیج فارس، کارتر را به اقدام علیه جزایر سه‌گانه تشویق می‌کرد. به گزارش بی‌بی‌سی، برژینسکی

۱. وی معاون وقت نخست‌وزیر رژیم بعث عراق است.

۲. حضور نیروهای امریکایی در خلیج فارس از سال ۱۳۶۴ هجری شمسی روند صعودی یافت و در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی به اوج خود رسید.

در ۳۰ آذر ۱۳۵۸ شمسی به کارتر می‌نویسد که باید بخشی از خاک ایران همانند جزایر سه‌گانه را اشغال کرد تا آیت‌الله خمینی رحمت‌الله‌علیه دچار تحقیر شود و گروگانها را آزاد کند؛ اما، پیشنهادش رد شد.

برژینسکی در گزارش هفتگی خود در ۱۴ دی ۱۳۵۸ شمسی به کارتر می‌نویسد: «فرمودید ما باید مسئولان رژیم بعث عراق را به تصرف جزایر سه‌گانه تشویق کنیم. این دستورالعمل به وزارت امور خارجه فرستاده شده است». در آن دوران دولت عراق و امریکا رابطه محدود و سردی داشتند؛ زیرا، رژیم بعث عراق دوست شوروی و دشمن رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌آمد و در فهرست دولتهای حامی تروریسم و اشنگتن قرار داشت؛ اما، شرایط هم‌اکنون متفاوت است. کارتر و صدام دشمن مشترکی به نام آیت‌الله خمینی رحمت‌الله‌علیه داشتند و می‌توانستند به واسطه رهبران مورد اعتماد عرب پیامهای حساس مبادله کنند؛ به‌عنوان مثال، صدام روز ۸ اسفند ۱۳۵۸ شمسی از طریق حاکم امارات متحده عربی به کارتر پیشنهاد تجزیه ایران را می‌دهد. براساس گزارش سفارت امریکا از ابوظبی (این گزارش در سال ۲۰۱۳ از طبقه بندی و حالت محرمانه خارج شده است) صدام اطلاع می‌دهد که آیت‌الله خمینی رحمت‌الله‌علیه بیمار، و انقلاب ایران «از کنترل خارج شده» است؛ بنابراین، امکان دارد چپها با حمایت شوروی در تهران قدرت را در اختیار گیرند. رهبر رژیم بعث عراق می‌افزاید: «این رژیم معتقد است که تجزیه ایران به سه و یا چهار قسمت بهترین راه حل است؛ راه‌حلی که به بهترین وجه منافع رژیم بعث عراق و کشورهای عرب را تأمین می‌کند. صدام خاطرنشان می‌کند، امریکا از پیامدهای تجزیه ایران نگران نباشد؛ زیرا، عراق تولید نفت را تضمین خواهد کرد» (هرسیج، ۱۳۸۱: ۹).

اداره اطلاعات وزارت امور خارجه امریکا روز ۱۷ دی ۱۳۵۸ شمسی به ونس گزارش داد، نیروی دریایی کوچک ارتش عراق توان حمله به جزایری به این دوری از پایگاه‌هایش را ندارد؛ بنابراین، عملیات احتمالی ارتش این رژیم علیه جزایر سه‌گانه باید از طریق مسیرهای هوا انجام شود (هرسیج، ۱۳۸۱: ۱۵)؛ به‌همین دلیل، چندین روز بعد از حمله به ایران، صدام بالگردها و هواپیماهای خود را به عمان اعزام می‌کند. ارزیابی امریکا و بریتانیا این بود که رژیم بعث عراق قصد دارد به جزایر سه‌گانه و بندرعباس حمله کند.

کارتر و دستیارانش خبردار می‌شوند که صدام در عمان نیرو پیاده کرده است و قصد

حمله به جزایر سه‌گانه ایران و بندرعباس را دارد. گسترش دامنه جنگ به تنگه هرمز می‌توانست جریان صادرات نفت و جان ۵۲ گروگان امریکایی را به خطر بیندازد؛ زیرا ایران به احتمال زیاد امریکا را عامل اصلی آن تلقی می‌کرد (بیات، ۱۳۹۸: ۱۲).

چند روز پیش از حمله به ایران، رهبر رژیم بعث عراق نماینده‌ای به عربستان، کویت، بحرین، امارات متحده عربی، قطر و عمان اعزام و درخواست حمایت می‌کند؛ اما رهبران عرب به درگیری مستقیم در جنگ تمایلی نداشتند و اعلام بیطرفی کردند.

یکی از کارشناسان اطلاعاتی سابق وزارت امور خارجه امریکا به بی‌بی‌سی فارسی می‌گوید که صدام ظرف ۴۸ ساعت اول جنگ چند فروند جنگنده «برای فرود اضطراری» به کشورهای حوزه خلیج فارس فرستاد تا آنها را درگیر کند. در تمامی موارد به غیر از یک مورد اجازه فرود داده نشد. کویت و کشور دیگری باند فرودگاه را با خودرو بستند؛ اما در عمان شرایط فرق کرد. صدام به‌جای جنگنده و بمب‌افکن، بالگردهای ترابری سوپرفرلون<sup>۱</sup> به عمان فرستاد. به نظر می‌رسد اعزام نیرو به این کشور، بدون توافق قبلی با سلطان قابوس بوده است. البته، دوستی سلطان قابوس با تهران به دوران محمدرضا شاه پهلوی باز می‌گردد که ایران برای کمک به سرکوب شورشیان ظفار به عمان نیرو اعزام می‌کرد. مسئولان سابق از اینکه قابوس به همکاری با صدام تن داده است، ابراز تعجب می‌کنند. پادشاه عمان به میانه‌روی شهرت دارد. وی مشاور نزدیک بریتانیا بود (مصاحبه وین وایت با بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ ۱۹ می ۱۹۹۹ میلادی).

در واشنگتن مسئولان ارشد به اندازه مقامات عمانی از ورود نیروهای بعثی به عمان نگران می‌شوند. واشنگتن مظنون بود که بالگردهای ارتش با رضایت پنهانی و حمایت تلویحی عربستان، امارات متحده عربی و بحرین وارد عمان شده‌اند. هم‌چنین، نگران بودند که اگر صدام به جزایر حمله کند، بمب‌افکن‌ها و ناوهای ایران تمام کشورهای عرب را هدف قرار دهند. جلسه اضطراری در کاخ سفید به ریاست دستیار نظامی برژینسکی برگزار شد. وی فکر می‌کرد زمانی برای دیپلماسی باقی نمانده است و نیروی دریایی امریکا باید وارد عمل شود تا از گسترش جنگ به تنگه هرمز جلوگیری کند. او در گزارشی به برژینسکی پیشنهاد می‌کند «به مسئولان رژیم عراق هشدار دهید که به جزایر حمله نکنند و از عمان خارج شوند». در مدت

چندین ساعت دولت عمان اولین هشدار را دریافت می‌کند. کاردار وقت آمریکا در مسقط به مشاور روابط خارجی سلطان قابوس تذکر می‌دهد که عمان در جنگ عراق علیه ایران دخالت نکند (مصاحبه وین وایت با بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ ۱۹ می ۱۹۹۹ میلادی).

کارتر، سفیر آمریکا در عمان را، که در خارج از کشور است با پیامی برای سلطان قابوس به مسقط اعزام می‌کند. پیام حاوی چنین مضمونی است، می‌داند که سلطان برای همکاری نظامی با صدام تحت فشار است؛ اما از او می‌خواهد که به پیامدهای خطرناک این کار برای امنیت مردم عمان و تنگه هرمز فکر کند. اگر عمان هدف حملات تلافی‌جویانه ایران قرار گیرد، ارتش آمریکا به دفاع از عمان نخواهد شتافت. هشدار صریحی که به نظر می‌رسد محاسبات سلطان قابوس را تغییر داده باشد. به همین دلیل، نیروهای بعثی در مدت چندین روز عمان را ترک می‌کنند (درودیان، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

یکی دیگر از منابع مهم در مسائل حمایت دولت آمریکا از حمله رژیم بعث عراق به جزایر سه گانه ایرانی، اظهارات هاوارد تیچر<sup>۱</sup> است. اهمیت اظهارات وی از این دیدگاه است که او زمانی عضو شورای امنیت ملی آمریکا بوده و به اطلاعات محرمانه‌ای از سیاستها و برنامه‌های آمریکا درباره جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران دسترسی داشته است. وی اذعان کرده است: «حمایتهای مالی، پشتیبانی لجستیک و اطلاعات امنیتی برای دولت عراق فراهم شد. مسئولان امریکایی اطلاعاتی را که از ارزیابی نیروهای نظامی ایران و استقرارشان در خلیج فارس به دست می‌آوردند در اختیار نیروهای نظامی رژیم بعث قرار می‌دادند. معتقدم، این اطلاعات در تصمیم اول صدام برای حمله به ایران تأثیرگذار بود» (درودیان، ۱۳۸۲: ۱۴۷).

## نتیجه گیری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران موجب نگرانی بسیاری از کشورهای غیر دموکراتیک منطقه و هم‌پیمانان غربی آنها شد؛ تا جایی که جنگ هشت‌ساله‌ای را بر این کشور تحمیل کردند. موضع آمریکا (در چارچوب نظریه نواقعه‌گرایی) در جنگ رژیم بعث عراق علیه

جمهوری اسلامی ایران اساساً مبنی بر حمایت از عراق در آغاز تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران به منظور تعدیل در مواضع انقلابی ایران در راستای حفظ منافع امریکا در منطقه غرب آسیا بود. از بزرگترین اشتباهات رژیم بعث عراق که تا پایان جنگ تحمیلی نیز آن را ادامه داد، اجرای تصمیمات امریکا در راستای سیاست نامشخص آن کشور در منطقه بود و طرح اشغال جزایر سه گانه در ابتدای جنگ تحمیلی نیز یکی از آنها بود که خوشبختانه به دلیل خطا در محاسبات امریکا عملیاتی نشد؛ چنانچه این حمله صورت می پذیرفت دامنه جنگ بسیار گسترده می شد. از این رو نتیجه این پژوهش با توجه به اسناد، دخالت مستقیم امریکا به واسطه حضور و مشاوره مقامات عالیرتبه نظامی و غیر نظامی در حمله به کشور ایران را نشان می دهد که صدام را در حمله به ایران مصمم می کرد و نکته حائز اهمیت دیگر این است که جزایر سه گانه هدف اصلی دشمنان انقلاب اسلامی ایران چه در دوران بدو پیروزی انقلاب و چه در حال حاضر است. موضوعی که متأسفانه در حیات علمی و پژوهشی جمهوری اسلامی ایران مغفول مانده و توجه بیشتری را در این زمینه می طلبد. ادعاهای بی اساس امارات متحده عربی و حمایت همه جانبه کشورهای عربی و غربی از آن نشان از اهمیت این منطقه دارد. طرح بازپس گیری جزایر سه گانه جزء اولین سناریوی مقابله با انقلاب اسلامی ایران بود که رژیم بعث عراق اولین بار با حمایت همه جانبه کشورهای غربی بویژه امریکا آن را مطرح کرد و خطا در محاسبات آن سبب شد قبل از اجرا توسط رژیم بعث عراق سریعاً جلوی آن را بگیرد؛ اما بررسی اسناد و کنکاش در اظهارات مقامات امریکایی در ابتدای جنگ تحمیلی نشان می دهد نه تنها این کشور اولین بار طرح اشغال جزایر را مطرح کرد بلکه صدام را در حمله به ایران مصمم تر کرد.

### فهرست منابع

- بیات، اسماعیل (۱۳۹۸). بررسی نقش ایالات متحده امریکا در خلیج فارس، نشریه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ش ۲۰: ۱۴۳ - ۱۶۰.
- درودیان، محمد (۱۳۸۲). نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، ج ۵، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.



- درویشی، فرهاد (۱۳۸۵). *جنگ ایران و عراق پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- سلیمی‌نبی، صادق (۱۳۸۳). *ارمغان دموکراسی*، تهران: انتشارات دفتر نشر معارف.
- سیک‌من، راکی (۱۳۸۹). *گروگانگیری ایرانی*، ترجمهٔ مریم کمالی، تهران: انتشارات مرکز انقلاب اسلامی ایران.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹). *سیاست‌های امنیتی آمریکا در عراق*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹). *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*، تهران: انتشارات میزان.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۳). *پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل*، ترجمهٔ علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- مصلی‌نژاد، غلامعباس (۱۳۸۶). *دولت و توسعه اقتصادی در ایران*، تهران: انتشارات قومس.
- نعمتی‌ورجنی، یعقوب (۱۳۸۸). *اندیشه‌های انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هرسیچ، حسین (۱۳۸۱). *تجزیه و تحلیل و ارزیابی سیاست مهار دوجانبه*، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ش ۱۲۷: ۱۲۷ - ۱۴۲.
- هندرسون، سیمون (۱۳۸۴). *راهبرد آمریکا در خلیج فارس*، ترجمهٔ احمد عظیمی بلوریان، تهران: انتشارات رسا.
- پایگاه اینترنتی بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۷/۱۶، تاریخ برداشت: <https://www.bbc.com/Persian> ۱۳۹۸/۱۰/۱۰، قابل بازیابی در:
- پایگاه اینترنتی روزنامه وال استریت ژورنال، تاریخ انتشار: ۸ فوریه ۱۹۸۰ میلادی، تاریخ برداشت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱، قابل بازیابی در: [The Wall Street Journal & Breaking News](http://www.thewallstreetjournal.com)
- Bowker, Mike and Brown, Robin (1993). *From cold war to collaps theory and world politics in the 1980*, Cambridge: university press.
- Waltz, Keneth (1979). *Theory of international politics*, USA: Colombia University Press.